

سید مهدی رضوی

اسلام از حد افراط و تفریط دور است

« كذالك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس (سوره بقره آیه ۱۳۷) »
خروج از حد اعتدال پیمودن راه افراط و تفریط خسران آور است - باید پی برد
که تفسیر از کیست ؟ - از مفاد آیه ۶۷ سوره بقره مستفاد می گردد که در روز قیامت
مقصرین موجب تقصیر خود را طاعت بزرگان قوم و مصادر امور معرفی می کنند حسرت
می خورند که کاش طاعت خدا و رسول کرده بودند و میگویند خدایا ما از بزرگان
خود فرمان بردیم آنها ما را گمراه نموده براه کج باز داشتند خدایا آنها را از رحمت خود
دور فرما و عذاب آنها را دو چندان کن .

همین که عمیقانه نظر کنیم در هر صنف و دسته و در هر حزب و اداره و در هر
قوم و خانواده مصادر امور و پیشرو افراد هر امری کنند مادیون آنها (بلا از راه اجبار
یا مودت یا استفاده مادی) طاعت مینمایند - و بیشتر دیده می شود که راه افراط یا تفریط را
پیموده از حد اعتدال خارج شده یعنی عدالت اجتماعی را از بین برده افراط اسوق بطرف هوای
نفس خود میدهند .

دیده می شود در امر مذهب یک دسته فقط ببعض ظواهر شرع رفتار و بمردم گفته اند
که راه نجات فقط همین نماز و روزه ها و تطهیر نجاست است و دیگر احکام را از معاملات و
سیاسات و اخلاق را کنار گذاشته نویدرستکاری داده در نتیجه دسته ای بهمین منوال بار آمده
و راه دیگری برای نجات خود ندیده این است که هفتاد و هشتاد سال عمر کرده بهمین ظواهر
مختصر پرداخته بعنوان اینکه خدا غفور و رحیم است مرتکب منہیات شده از خوردن ربوا

مضایقہ نمی کند می گوید حلالش می کنم و مرتکب معاصی دیگر هم شده و هر که مخالف باشد مرتد دانسته و کافر و بیخرد می شمارد و باسینه مملو از حقد و حسد و کبر و ریاء و آزار خلیق نام آنرا پیروی از شرع می گذارد - در صورتی که از سن شش سالگی بر پدر و مادر و معلمین است که اطفال را به احکام و قوانین شرع طوری آشنا کنند که در حد تکلیف و وظائف خود را بدانند نه کسی کلاه سرا و بگذارند او کلاه کسی را بردارد .

دیده می شود که خانها و املاک مردم را اشغال می کنند و بامنع صریح مالک بقصرات غاصبانه ادامه داده حتی در آن نماز خوانده و روضه خوانی می کنند - تمام تقصیر از عهده داران تربیت اولیه است .

دسته دیگر مردم را بطریق دیگر راه نمائی کرده متشرعین را تخطئه می کنند و می گویند از جاده حقیقت دور افتاده اند - بحدی مردم را منحرف می کنند که کار را بجائی رسانده که تفکر را عبارت از زیارت صورت مرشد در دل دانسته و خانه خدا را راقم بنحج ندانسته بلکه می گویند طواف دل باید کرد و پس از مدتی ذکر و فکر می گویند و اصل بحق شده نماز و روزه را کنار گذاشته مال مردم را که در آن فرقه نباشد حلال دانسته و بدسته متشرعین بد گفته و شماتت می کنند و بگفتن کلمه حق - هو - علی مدد - خود را رستگار میدانند و از دانستن احکام شرع بی بهره مانده در صورتی که علی علیه السلام تا آخر عمر غافل از خدا نبود و شبها از خوف خدا مثل مار گزیده به خود می پیچید و دعوی واصل شدن بحق نمی نمود - رجوع بوضعیت آن حضرت به امام حسن علیه السلام شود .

دسته دیگر با طراف عرفان و فلسفه قدم زده و هر دو دسته را تخطئه کرده مردم را براه مخصوصی سوق می دهند .

نتیجه این اختلالات این شده که مادیون جلو افتاده و بجلوه دادن صنایع خارجی و همدستی با اجانب و ایجاد ذاهب جعلی نفوذ اجانب زیاد ورشته کارها از دست رفته و قانڈین نشستہ نگاہ می کنند .

آیا نباید گفت که همه بدبختیها و پیش آمدهای ناگوار در دست فائیدین و سران سپاه است که می توانسته و می توانند تشکیلاتی برقرار کنند که مردم بیچاره از راه حقیقت منحرف نشوند .

وقتی ناپلئون به آلمان رسید گفت بالهای عقاب (بال باز) را که علامت دولتی آلمان است بزنیید برای آنکه می خواهند بگویند ماسخرق و غرب را مسخر خواهیم کرد . مردم خیلی افسرده شده به یکی از فلاسفه خود رجوع کرده که علاج ما چیست گفت از شما کاری نیاید بروید کوشش در تربیت اولیه کنید تا بیست سال دیگر بمقصود نائل خواهید شد یعنی این گرفتاری از بی همتی شماست تربیت اولیه در ایران طوری شد که اکنون از این مدارس از هزار شاگرد یک نفر نماز خوان و قرآن دان (بلکه قرآن خوان) نیست . عفت - عصمت - غیرت - قنوت و کلیه امور اخلاقی رخت بر بسته . همان کسانی که از دسته های فوق مصدر امور می شوند برای از بین بردن آثار یکدیگر و کندن بنیاد شرع و شریعت کوشا هستند .

رویه فرهنگ طوریست که دیگر امید به بودی در امر دین و عقیده در آن نیست نمی بینید همپنکه شاگرد از مدرسه بیرون می آید از پسران و دختران پسندیده فکر آزمایش هم دیگر و مسجد آنها سینما و عوض مطالعه و راحتی بقمار و مشروب پرداخته شعارشان بی اعتدالی است ، و درو نشان در اثر بی اساسی فرهنگ مملو از کینه و بخل و حسد و خود خواهی و مضایقه از هیچگونه جنایتی ندارند و بیکی دیگر اتهام میزنند

اجانب (که همه مقلد آنها هستند) در هر دهکده دانشگاه دارند ولی در مملکت شیعه اثنی عشری در سر هر خیابان سینما که نمایش مخالف دین و اخلاق داده حتی پیمبران را مسخره می کنند مثل اینکه بنام ملکه سبا بلقیس زن محترم پیغمبر خدا سلیمان را بافتضیح ترین صورت فواحش نشان میدهند

هر طفلی که شروع بمدرسه رفتن میکند علاوه از تلویزیون و رادیو منزل از پدر و مادر پول سینما میگیرد و اگر ندهند مضایقه از دزدی ندارد - اطراف سینماها را بنگرید که فوج فوج در قطار ایستاده که نوبه آنها برسد تا پس از خلاصی بخانه آمده

از تلویزیون و رادیو و قمار و امثال آنها مستفید کردند

بلی همین ها هستند که در قیامت میگویند ربنا اننا اطعنا سادتنا و کبرائنا فاضلونا

السبیلا - ربنا آتیم ضعیفین من العذاب والعنهم لعنا کبیرا

همه این جریانات و بلایا برای نداشتن تشکیلات صحیح است خصوصاً امروز که همه گونه و سائل از قلم و قدم و آزادی موجود است - بزرگان دین بعضی از اعاشه سبزی که آب آورده زندگی و با چراغ نفتی مستراح مطالعه کرده تا حائز مقام مولویت شده و بعضی دیگر با نبودن طبع کتاب و در کک مقام استاد بابی بضاعتی از شهر بشهر و دیار بدیار رفته و بقدر قوه دین حنیف اسلام را نگهداری کرده نوشتند و گفتند و تربیت کردند ولی در عصر تمدن و آزادی و بودن وسائل در اثر اعمال و اغفال اجنبی پرستان روزگار ملت باین روز افتاده از مرحوم آیه الله حاج آقا حسین قمی نقل میکنند که فرمود که معنی از اظهار ابداع فعلی العالم ان ینظر علمه برای کجاست - امروز روز جنگ با توپ و تفنگ و شمشیر نیست زبان هست قلم هست در دادن تشکیلات اساسی کسی مانع نیست باید کوشش کرد و به تربیت اولیه کوشید و عاظ و سخن رانان، و قائیدین باید همت کنند تا دیگر کسی طفل خود را از کودکی بخارج نبرد و احتیاج بر رفتن خارج و دادن ثروت مملکت با جانب نشود - جلو فکر و صنعت و اختراع را کسی نگرفته نتیجه تحصیلات باید عاید خود مملکت شود - متصدیان امور باید فکر اجراء عدالت اجتماعی باشند از فساد اخلاق جداً جلو گیری شود - مال بیت المال بیغما نرود تمام بدبختیها تقصیر قائیدین است

به بینید بنام اسلام مسلمانان دروغی چگونه عوائد موقوفات را میبرند و مال فلک زدگان و بیچارگان را میخورند که این قسمت هم داستانی است مفصل که بمحل خود باید بعرض برسد بدبخت ملت بیچاره ملت ! لعن الله یحدث بعد ذلک امر